

قصه سینماجات عهد بوق

تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان

سید علی کاشفی خوانساری



سرشناسه	کاشفی خوانساری، سیدعلی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	سینماجات عهدبوق/سیدعلی کاشفی خوانساری.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات حوا.
مشخصات ظاهری	۱۶۰ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۷۷۷-۰۷-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	سینما - ایران - تاریخ - قرن ۱۳.
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ۵۲۳ ی۹الف / PN۱۹۹۳/۵
رده بندی دیویی	۷۹۱/۴۳۰۹۵۵
شماره کتبشناسی ملی	۲۸۹۰۴۵۴

کتابخانه سینماجات عهد بوق

(تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان)

نویسنده: سیدعلی کاشفی خوانساری

طبع: تهران: رحیمی زاده

صفحه آرا: عطیه سادات بخارایی

ناظر چاپ: حسن قاسمی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۷۷-۰۷-۸

تلفن: ۸۸۵۰۵۰۳۷

نشانی: خیابان سپهروردی، بالاتر از مطهری، پلاک ۲۶۲، سوه

www.havvapub.com

havvapub@yahoo.com

نظرات خود را درباره این کتاب و سایر کتاب‌ها با پیامک

به شماره ۳۰۰۹۵۹۲ برای ما ارسال کنید

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

فهرست

۷	 لطفاً این مقدمه را نخوانید!
۱۳	 ابراهیم خان اول و حکایت آشنایی با سینماتوگراف
۱۹	 ابراهیم خان دوم و بلیت‌های یک قرانی
۲۷	 آغاز رقابت سوزنده
۳۲	 مدرسه آرتیستی و آبی و رابی
۳۹	 راجای آقا آکئور سینما تا بشقاب‌پرنده
۴۵	 بودکشی ممنوع یا ماهیان فیلم‌دوست
۵۳	 ترون پروان که می‌گن شهر خوبیه
۵۹	 از کارگردانی کاخانه صنایع پشم
۶۷	 تولید تعطیل و بادهای بامزه شروع می‌شود
۷۳	 کوشش‌های کوسان
۷۹	 فیلمفارسی با رقص و آنگوشت
۸۵	 لات جوانمرد و شب‌نشینی در جهنم
۹۱	 وقتی همه گنج قارون می‌خواستند
۹۹	 قیصر و گاو وارد می‌شوند
۱۰۷	 ماجرای حسن کچل و آقای هالو
۱۱۳	 کمیت بیست! کیفیت نیست!
۱۱۷	 سینما در تنگنا، تنگنا در سینما
۱۲۵	 اوج ابتذال
۱۳۱	 گوزنها اعتراض می‌کنند
۱۳۷	 ورشکستگی سینما
۱۴۳	 فریاد سوت‌دهان زیر آب
۱۴۱	 پایان برای آغازی دوباره
۱۵۷	 منابع

لطفاً این مقدمه را نخوانید!

سازنی بزرگ و تاریک، نوری شدید و خیره‌کننده روی پرده بزرگی می‌پاشد و به یک لاله‌ی ادهام روی پرده جان می‌گیرند. می‌دوند، تیراندازی می‌کنند، می‌خندند، گریه می‌کنند...

دفعه اول که سینما راجی - خانی داشتی؟!... فیلم‌های سینمایی را که توی تلویزیون یا ویدئو می‌بینی، چطور؟!... من که خیلی وقت‌ها خودم را جای قهرمان فیلم تصور می‌کنم تا آن می‌خورم، زمین می‌خورم، خشمگین می‌شوم، پیش خودمان بماند؛ حتی می‌شوم، سینما جای عجیبی است من که پای فیلم‌ها خیلی گریه کردم، خیلی خودم قول داده‌ام و قرارهای جدید گذاشته‌ام... شما چطور؟

چقدر زیادند نوجوانانی که دوست دارند هنرپیشه بشوند، با کارگردان یا هر شغل دیگری که به سینما مربوط باشد. خیلی‌ها یک فیلم که می‌بینند چند بار آن را با آب و تاب برای بقیه تعریف می‌کنند. بعضی‌ها بعد از دیدن یک فیلم آماده‌اند که ساعت‌ها درباره آن بحث و جدال کنند. این فقط مخصوص نوجوان‌ها نیست؛ بزرگ‌ترها را هم ببینید، هنوز هم وقت پا بدهد با ذوق و شوق از فیلم‌هایی که در جوانی دیده‌اند حرف می‌زنند.

مشتاقان نوجوان سینما خیلی زیادند اما تنها عده محدودی از آن‌ها سینماگر می‌شوند. شاید همین‌طور درست باشد. چون مگر یک مملکت



چند تا هنرپیشه و کارگردان می‌تواند داشته باشد. اما آن‌هایی هم که مستقیماً وارد سینما نمی‌شوند، با سینما قهر نمی‌کنند. آن‌ها باز هم در سالن‌های سینما یا پای تلویزیون و ویدئو فیلم می‌بینند، مجله‌های سینمایی می‌خوانند و درباره سینما بحث می‌کنند. نوجوان‌ها به مرور سلیقه‌شان بالا می‌رود و دیگر هر فیلمی آن‌ها را راضی نمی‌کند. بچه‌ها طرفدار فیلم خوب هستند و یواش یواش برای خودشان، معیارهایی درباره فیلم خوب دارند. یواش یواش فیلم‌های یک کارگردان را با هم مقایسه می‌کنند و فیلم‌های چند کارگردان را با یکدیگر؛ در صحبت‌هایشان نمونه‌هایی از فیلم‌های قلمی ایرانی یا خارجی می‌آورند و سعی می‌کنند حرف‌هایشان جدی‌تر و منطقی‌تر باشد.

چهارم: ما هم به طور عملی در تولید فیلم‌ها وارد شویم یا نخواهیم به عنوان یک نو سینما و منتقد سینمایی در دنیای سینما زندگی کنیم و چه نخواهیم مثل یک بیننده حرفه‌ای، هنر سینما را به طور جدی بشناسیم. از آن لذت ببریم. آن را تحلیل کنیم، بهتر است که از تاریخ سینما هم باخبر باشیم. راستش را بگویم که من و بیش از ماجراهای تاریخ سینمای ایران طی صد و چند سالی که از عمر سینما می‌گذرد خبر نداشته باشیم نمی‌توانیم درست و حسابی درباره سینمای امروز قضاوت کنیم. به قول بزرگ‌ترها برای شناخت هر چیزی باید که تاریخ آن را بدانی!

سینمای ایران بیش از هشتاد سال از عمرش می‌گذرد. کارنامه هشتاد ساله سینما بدون عیب و نقص نیست. سالیانی که ما در این سال‌ها با زشتی‌هایی همراه بوده که تا از آن باخبر نباشیم، نمی‌توانیم آن را درک نخواهیم کرد. همین‌طور از اتفاقات جالب و شگفتی‌های فراوانی که گاهی آدم را به خنده می‌اندازد و گاهی به فکر فرو می‌برد.

سینما وسیله قدرتمندی است. فیلم‌های سینمایی می‌توانند افکار جامعه را نسبت به یک مسئله جلب کنند. می‌توانند نگاه یا عقیده مردم را درباره موضوعی تغییر دهند. می‌توانند...

سینما مثل هر رسانه دیگر می‌تواند نقش‌هایی را مثل اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و... به عهده گیرد اما در بسیاری از کشورهای دنیا بیشتر

به نقش سرگرمی سینما توجه دارند. سینما از مسائل مهمی که به زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ارتباط می‌یابد و از بی‌عدالتی‌ها سخنی نمی‌گوید. در بیشتر کشورهای جهان سینما یک صنعت و تجارت پردرآمد است که ستارگان آن به الگوهای پوشانی مردم بدل می‌شوند و مد لباس و موی آن‌ها را تعیین می‌کنند. این سینما تنها به خوشگذرانی‌ها و خواسته‌های سطح پایین انسان توجه دارد و از نیازهای متعالی انسان و معنویت کمتر سخن می‌گوید. این مسئله در مورد سینمای قبل از انقلاب ایران هم - که در این کتاب از آن صحبت خواهیم کرد - مصداق داشت و کمتر در آن نشانه‌ای از زندگی واقعی مردم و باورهای دینی آن‌ها یافت می‌شد. حکومت آن روز ایران هم همین نوع از سینما را می‌پسندید و آن را ترویج می‌کرد.

از سینما مثلاً به وسیله قدرتمند دیگری می‌شود استفاده‌های خوب یا بد کرد. سینما وسیله‌ای است خیلی از مردم جهان بوده و هست اما این تنها یک روی سکه است. بی‌شکی از رستان می‌گوید: «با سینما هم می‌شود به مردم و به خوبی‌ها خدمت کرد، اگر راه سینما هم می‌توان به خدا رسید.» شما چه می‌گویید؟